

نقدی متنی و فرامتنی بر جستاری از ترجمه نهج البلاغه محمد دشتی

عباس یارمحمدی^۱

علی باقر طاهری نیا^۲

عبدالمطلب رشیدی^۳

چکیده

آنچه در ترجمه متون اهمیت فراوان دارد، شناخت تفاوت‌های ادبی و بلاغی و فرهنگی میان زبان‌ها و ادبیات آنها و معیارهای بلاغی و فصاحت و وجود ضرب المثل‌ها و استعارات آن است.

وجود دشواری‌ها در زبان عربی و متون قرآن و روایات، به‌خصوص نهج البلاغه باعث شده است که کار ترجمه‌ی آنها بسیار دشوار به نظر رسد. با این حال ترجمه‌های زیادی از نهج البلاغه از گذشته تا عصر معاصر انجام گرفته است. در این مقاله گزیده‌هایی از ترجمه نهج البلاغه توسط مترجم معاصر محمد دشتی در روش و ویرایش‌های متن و ترجمه آن و تحلیل موضوعات بلاغی و نحوی و همچنین توجه به رویدادهای تاریخی در امر ترجمه و رعایت فن ادبی و... مورد نقد قرار گرفت. بر اساس این تحقیق انتقادهایی بر این ترجمه مترتب است، که برای دستیابی به معنای درست‌تر برای اهل تحقیق و پژوهش کافی نخواهد بود. این موارد بیشتر شامل عدم رعایت دقت در فن ترجمه و اضافات تحلیلی و توصیفی و جا افتادگی‌های متنی و بلاغی است.

واژگان کلیدی:

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ترجمه، متن، نقد.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور abyar7177@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه تهران btaheriniya@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور mhza_11110@yahoo.com

مقدمه

لزوم دقت در ترجمه متون در فرهنگ‌ها و ادبیات، امری ضروری است. زیرا ساختار ناصحیح و بی‌دقتی در متن، مطالعه‌کننده و پژوهشگر را به مقصود نمی‌رساند. هرگاه درباره ترجمه متن و ادبیاتی دیگر سخن می‌گوییم، طیف گسترده‌ای از عناصر متنی و واژگان ادبی، علمی، تاریخی و حتی فکری و فرهنگی را باید در نظر آوریم و با سنجش و قیاس هدمند، ترجمه آن متون و یا آثار علمی و ادبی را تدوین کنیم. تعیین شاخص‌های سبک شناختی در ترجمه‌ی متون دینی با فارسی، در حقیقت نیازمند واری‌های تاریخی و تبیین و تدوین مشخصه‌های دوره‌های گوناگون آن است. این کار در مجال زمانی خاص سامان نمی‌یابد و حتی با اینکه تعداد آثار بسیار زیادی از گذشته تا معاصر، در این عرصه به انجام رسیده است، باز هم جای خالی پژوهشی متقن در این عرصه مشاهده می‌شود.

در کسب معانی دقیق برای ترجمه نهج‌البلاغه انسان‌های بلند همتی قدم برداشتند و تلاش درخوری به خرج دادند و این امر مهم را به انجام رساندند. از این رو مرور و بررسی و نقد هر یک از ترجمه‌ها امری ضروری است، زیرا نقد منصفانه به غنای این امر مهم می‌افزاید. افزون بر این امر بر روشنگری در راهبرد و کشف معانی دقیق متون نهج‌البلاغه مترجمان را به دقت هر چه بیشتر در ترجمه‌های خود دعوت می‌نماید.

ترجمه‌ی مرحوم محمد دشتی را، به جهت پرمخاطب بودن، حائز اهمیت و نیازمند نقد یافتیم، تا در آینده برای هرچه بهتر شدن فعالیت‌های ترجمه‌ای تلاش‌های ثمربخش‌تری صورت گیرد.

این مقاله در صدد پاسخگویی به سه پرسش مهم زیر است:

- آیا در ترجمه نهج‌البلاغه محمد دشتی، به ترجمه درست و صحیح از هر حیث پرداخته شده است؟»
- آیا «در ترجمه ایشان به رعایت اصول قواعد ادبی و عربی دقت لازم شده است؟»
- آیا مترجم محترم فن ترجمه و تحلیل داده‌ها را صحیح بکار برده است؟»

اهمیت و ضرورت ترجمه متون

در کتب متعدد نویسندگان با ارائه تعابیر مختلف، سعی کرده‌اند تعریفی جامع و فراگیر از

ترجمه ارائه دهند که جامع تعریف که بیشتر آنها را در بر می‌گیرد. در عبارت زیر آمده است: «فرآیند جایگزینی عناصر متنی زبان مبداء (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) به وسیله عناصر متنی زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می‌شود) که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل زمینه‌ی جایگزین‌سازی را خود فراهم آورد به گونه‌ای که بین نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه تعامل و تأثیر متقابل شکل گیرد.

برگردان یک واژه، مطلب، متن، مفهوم و یا اندیشه از زبانی به شکل زبان دیگر، به نحوی که حداکثر رسالت و حفاظت محتوای آن موضوع رعایت شود و در عین حال برای خواننده‌ای که به زبان او برگردانده شده، به بهترین شکل ممکن قابل درک، فهم و بهره‌برداری باشد.» (رشیدی، غلامرضا، ۱۳۷۸، ص ۶۵)

همواره ترجمه به عنوان پل ارتباطی میان جوامع، زبان‌ها و فرهنگ‌ها شناخته شده است. اطلاع مردم از بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌ها از طریق ترجمه صورت می‌گیرد. در عین حال گاه چنین اتفاق می‌افتد که فاصله زبان مبداء و مقصد کم بوده و متن اصلی به طور مستقیم از زبان اصلی ترجمه می‌شود؛ اما گاهی نیز به دلیل فاصله بین دو متن (اصلی و ترجمه) ترجمه از مقصدی دیگر غیر از زبان اصلی پیگیری می‌شود. لذا در ترجمه متون یا از راه مستقیم یا غیر مستقیم و استفاده می‌شود؛ اما در واقع پل ارتباطی هر دو راه، ترجمه است. «هر ترجمه‌ای که از زبانی به زبانی دیگر صورت می‌گیرد، هدفی خاص را دنبال می‌کند. به طور کلی نیاز به ترجمه از آن زمان آغاز شد که انسان‌ها به علت اختلاف در زبان، فرهنگ و رفتار جوامع خود، از درک عقاید و افکار انسان‌های دیگر از جوامع مختلف عاجز بودند. ترجمه عامل از میان برداشتن موانع، و پل ارتباطی جوامع گوناگون گردید» (فرخزاد، فرزانه، ۱۳۷۰، ص ۸۲)

اطلاعات انسان‌ها از گذشته تاریخی خود نیز از مسیر ترجمه به دست می‌آید، اما این ترجمه در درون یک زبان صورت گرفته است؛ به عنوان مثال، شخصی تاریخ بیهقی را که به زبان فارسی قدیم نوشته شده بود از زبان فارسی قدیم به زبان فارسی امروزی برگردانده و ساده نویسی می‌کند، تا دانش‌آموز دبیرستانی که حکایت‌های آن را مطالعه می‌کند، متوجه متن آن شود؛ این پدیده فقط در زبان فارسی وجود نداشته، بلکه در تمام زبان‌ها نیز این چنین صورت می‌گیرد.

اما باید مد نظر داشت که ترجمه به عنوان یک ضرورت فرهنگی با التفات به نوع استفاده،

انواع متفاوتی دارد.

«ترجمه یکی از پایه‌های اصلی هر زبان در جای خود از اساسی‌ترین عوامل فرهنگ و تمدن هر جامعه به شمار می‌رود. و از مهم‌ترین وسایل ارتباط، انتقال و القاء افکار سازنده ملت‌ها به یکدیگر است. اکنون که علم در تمام زمینه‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت است و دستیابی به تازه‌های علمی در جای جای جهان صورت می‌پذیرد، تنها راه بهره‌مندی از این تازه‌ها، ترجمه و برگردان این یافته‌های جدید به زبان هر ملتی است. از این رو ترجمه لازمه بهبود زندگی اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشورها بوده و از جمله راه‌های بهره‌گیری از تجارب آنها در زمینه‌های مختلف علم و ادب و صنعت و هنر است.» (طاهره صفارزاده، ۱۳۸۰ ص ۲۹)

اصولی که باید در ترجمه رعایت گردد

الف) هدف دار بودن

«نکته قابل توجه در ترجمه این است که مترجم باید علت، هدف، مخاطب ترجمه، مسائل، ضرورت‌ها و ارجعیت‌ها را مدنظر داشته باشد تا با اولویت‌بندی هر کدام از آنها و در نظر گرفتن توانایی و دانش خود اقدام به کار نماید. ارائه تعریف دقیق و فنی از ترجمه کار ساده‌ای نیست. تعاریف متعددی از ترجمه انجام شده که غالباً کلی و نظری است.» (میمندی نژاد، ۱۳۵۸، ص ۱۶۹)

ب) امانت داری

«یکی از مهم‌ترین اصولی که باید در انجام ترجمه رعایت شود این است که مطلب یا متنی که برای ترجمه در اختیار مترجم قرار می‌گیرد، حکم امانت را دارد. مترجم نباید در آن دخل و تصرف‌های بی‌رویه یا خودسرانه و غیرضروری انجام دهد. او باید تنها پیام اصلی نویسنده را به بهترین وجه ممکن به زبان مقصد بیان کند و از افزودن یا کم کردن کلمات و جملاتی که ممکن است به متن اصلی لطمه وارد سازد، خودداری کند.» (فرخزاد، ۱۳۷۰ ص ۷۸)

اصل امانت در ترجمه ایجاب می‌کند که مترجم بتواند با ذوق سلیم و طبع لطیف خود متن زبان مبدأ را به زبان مقصد طوری برگرداند که خواننده متن: با جملات نامأنوس و دور از ذهن مواجه نشود. با کلمات نا متعارف رو به رو نگردد، با ساختارهای عجیب و بیگانه همگام نشود.

ج) اصل دقت

رعایت این اصل موجب می‌شود مترجم در چهار چوب واژه‌ها عبارات و اصطلاحات، منظور و مقصود اصلی نویسنده را از پیام مبداء استنباط کند و آن را بدون کمترین دخل و تصرف غیر لازم به زبان مقصد برگرداند. مترجم باید سعی کند با انتخاب بهترین معادل از کمترین لغزش‌ها جلوگیری کند و دقت لازم را در انتخاب آنها به کار بندد. اما باید توجه نمود که مفهوم دقت مصداقش بسته به متن تفاوت می‌کند؛ به طوری که نوع دقتی که در ترجمه متون وحیانی و علوم ریاضی لازم است با متونی که با زبان طبیعی و خصوصیات مشترک بشری یا فرهنگی سروکار دارد، بیشتر است. (میمندی نژاد، ۱۳۵۸، ص ۱۶۷)

د) اصل وفاداری

آن که مترجم نسبت به نویسنده زبان مبدأ وفادار باشد و پیام متن را بدون هیچ کم و کاست به زبان مقصد ترجمه کند. (همان ص ۱۶۷)

و) اصل صداقت

از آنجا که مترجم به منزله عامل و عنصر و وسیله ارتقای علمی و فرهنگی جامعه به شمار می‌رود، وظیفه بسیار خطیری به عهده دارد و بایستی همواره در کار ترجمه با راستی و درستی عمل کند و از به کار بردن نکات و اصطلاحات انحرافی بپرهیزد و آنچه را نویسنده در نظر داشته است به طور کامل و صحیح بیان کرده و کوچکترین دیدگاه خود را در متن نگنجاند. (همان ۱۶۸)

آنچه مهم‌تر از همه‌ی این موارد است، این که مترجم، برای ارائه یک ترجمه کم نقص و دقیق، افزون بر اینکه باید از اصولی که شاکله اصلی متن را شکل می‌دهد، تبعیت کند؛ خود نیز دارای واجد دانش و تفکری متناسب با متن باشد.

آنچه که مترجم باید در آن شناخت داشته باشد

الف) درکی کارشناسانه و دانشی کافی: یعنی در زمینه متنی که ترجمه می‌کند با شناخت کافی از منابع، کتاب‌های راهنما و... به دانش خود در زمینه مربوطه ژرفای لازم را بخشیده باشد.

ب) باید دانش و معلومات عمومی در زمینه زبان کشور مبدا داشته باشد. این از ضروریات ترجمه است. «چرا که بدون داشتن این معلومات، درک و فهم بسیاری از نکته‌ها و اشاره‌هایی که در متن آمده اما شرح کافی نیافته است، برای مترجم دشوار و حتی ناممکن خواهد بود.»

ج) شناخت فرهنگ و اعتقادات. از آنجا که هر فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده از نگرش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و قوانینی است که گروهی از مردم در آن مشترک‌اند و نویسنده متن مبدأ، این اعتقادات و نگرش‌ها و... مخاطبان را که برایشان می‌نویسد، در نظر داشته است، مترجم نیز باید متن را مطابق با فرهنگ زبان مقصد برای ترجمه کند، بدون اینکه لطمه‌ای به متن اصلی وارد نماید. زیرا در هر فرهنگی اصطلاحات و اعتقادات و نگرش‌هایی وجود دارد که بار فرهنگی آن در زبان مقصد متفاوت است و معنا و مقصودی متفاوت را می‌رساند. بنابراین مترجم با احاطه کامل بر فرهنگ هر دو زبان، همیشه مراقب باشد که چیزی غلط معنا نشود و بد تفهیم نگردد و قبل از هر چیز حال و هوای فرهنگی آن متن را بفهمد و هر متن را با تحقیق و دقت در زمینه فرهنگی مرتبط، به زبان مقصد ترجمه کند.

در کار ترجمه، ظرایف و نکات خاصی وجود دارد که کمابیش همه نویسندگان به نوعی به آن اذعان داشته و با شیوه‌های مختلف آنها را بیان کرده‌اند.

سطح ترجمه

سطح هر ترجمه بر اساس نیازسنجی مخاطبان آن تعیین می‌شود. خواننده هر ترجمه دارای اطلاعات، تجربه، تمایل، ذوق، توانایی و انتظاراتی است. سن معینی دارد و به قشر اجتماعی خاصی تعلق دارد و این عوامل مقتضیاتی است که باید لحاظ شود و موقعیت هر ترجمه بسته به آن است. «دستی با گرایش بسوی خواننده، ساختار ترجمه را براساس ویژگی‌های زبانی معاصر سامان داده و متنی روان به دست داده است» (ناظمیان-۱۳۹۱ ص ۲۳۷) «مترجم پیامی را که از منبعی دیگر دریافت کرده ضبط و منتقل می‌کند. ترجمه مستلزم دو پیام، معادل دو رمز متفاوت است. براین اساس اصول زبانی در متن مقصد را می‌توان نظر به میزان تعادلی که در معنا با اصول زبانی متن مبدا برقرار می‌کند ارزیابی کرد.» (ماندی، ۱۳۸۴، ص ۴۵)

«همانطور که نویسنده خوب هنگام نوشتن، مخاطبان خود را در نظر دارد، یک مترجم نیز علاوه بر آنکه باید مخاطبان متن مبدأ را در نظر بگیرد، مخاطبان مقصد را نیز باید مدنظر

قرار دهد و به این نکته توجه داشته باشد که حتی اگر یک پیام را برای گروه‌های مختلف با یک فرهنگ می‌نویسد باید آن را برای افراد مختلف به گونه‌های متفاوت بنویسد. از همین رو اطلاع از گروهی که نویسنده اصلی برایشان نوشته و گروهی که ترجمه برایشان انجام می‌شود دارای اهمیت است و آنچه سطح ترجمه را متفاوت می‌سازد میزان اطلاعات عمومی و سطح تحصیلات مخاطبان است» (میمندی نژاد، ۱۳۵۸، ص ۸۹)

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که مترجم نیز باید در زمینه متنی که می‌خواهد ترجمه کند اطلاعات و دانش کافی داشته باشد تا بتواند از عهده ترجمه دقیق آن متن برآید. اینکه ترجمه انجام شده مناسب برای چه مقطع تحصیلی بوده و به عنوان کتاب درسی یا کمک درسی استفاده می‌شود و اینکه مخاطبان خاص داشته باشد یا قابل استفاده برای عموم باشد، با توجه به سطح ترجمه تعیین می‌شود که البته این عامل یکی از عوامل تعیین موارد بالاست و عواملی دیگر همچون موضوع متن ترجمه شده نیز در این امر دخیل است.

نقدی مختصر بر ترجمه دشتی

آنچه در مورد نقد مطلبی مهم است. داشتن انصاف در امر و هدف بهبود باشد و همچنین از سر خیرخواهی، همراه با ذکر جنبه‌های مفید در کنار جنبه‌های منفی با استدلال و بیان سند و مدرک لازم و در آخر اینکه نقد خود باید انعطاف پذیر باشد و متعصبانه نباشد. امید که این مقاله از این اصول که نویسنده خود معترف به آن می‌باشد پیروی کرده باشد.

۱) توجه به موقعیت زمانی و مکانی ایراد خطبه توسط امام علیه السلام

- خطبه ۱۹، بند ۱: «حائک ابن حائک».

ترجمه دشتی: «ای متکبر متکبر زاده»، اگر بخواهیم مقتضیات زمان و مکان بیان عبارت را توسط حضرت بررسی کنیم با دقت در ترجمه‌های بهشتی ص ۲۲، اولیائی ص ۴۳۳، فیض الاسلام ص ۷۷ جلد ۱، آیتی ص ۶۹، دین پرور ص ۳۷، انصاریان ۷۹، زمانی ص ۵۸، شرح ابن ابی الحدید، جلد ۱، صفحه ۲۹۸ و ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ ص ۶۴۳، در می‌یابیم گرچه اشعث و پدرش از افراد صاحب پست و منصب بوده‌اند، ولی مقتضیات خطبه کاملاً مشخص است که نیازی نبوده حضرت به تکبر و غرور وی که از منصب حکومتی آنها ناشی شده باشد،

اشاره بفرمایند بلکه همانگونه که ابن ابی الحدید و ابن میثم بطور کامل شرح داده‌اند یا در ترجمه‌های فوق‌الذکر می‌بینیم حضرت تحقیر وی را مد نظر داشته و اشاره به بافنده بودن شغل پدر و اجداد وی داشته‌اند چون نوع این شغل به گونه‌ای است که تمام شب و روز فرد مشغول است و درک اجتماعی، دانش کافی و فرصت فراگیری نداشته و ضعف عقل دارد پس ترجمه: (ای جولای پسر جولای) جولای: کسی که کم خرد و ضعف عقل دارد. (فیض الاسلام ص ۷۸- اردبیلی ص ۲۳- انصاری ص ۷۰- ابن میثم ص ۶۴۳)

• خطبه ۳، بند ۱۰: «و مال الاخر لَصَهْرَه، مع هن و هن».

ترجمه دشتی: «دیگری دامادش را برحقیقت برتری داد و آن دو نفر دیگر زشت است آوردن نامشان (زبیر، طلحه). ترجمه‌ها (هن و هن) را دو گونه فرض کرده‌اند: ۱- زبیر و طلحه مانند ترجمه دشتی ص ۴۷، فیض الاسلام ج ۱ ص ۵۰، انصاری ص ۵۷ و... ۲- دو فکر و نیت زشت و پلیدی (خلافت، اغراض نفسانی و بغض علی علیه السلام) که عبدالرحمن با تمایل به عثمان داشت و بیشتر مترجمین و شارحین نظر دوم را دارند مانند: منتظری درس‌ها، ص ۵۳، خوئی ج ۳ ص ۹۴، ابن میثم ج ۱ ص ۵۲۱، ارفع ص ۵۳، انصاریان ص ۶۰، بهشتی ص ۱۱ متن، دین پرور ص ۲۳ متن، مکارم ج ۱ ص ۶۷، اردبیلی ص ۱۵ و... اما در بررسی شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۸۹ با توجه به دو روایتی که آورده است (هن) زبیر نمی‌تواند باشد زیرا از شورای شش نفره (مال الآخر لَصَهْرَه: و دیگری به دامادش متمایل شد و رای داد) مشخص است که عبدالرحمن و عثمان است اما بعد از این عبارت "مع" آمده که مخفف مع است و حال بخاطر این حق‌کشی و خیانت که همگی بر آن واقف بودند. آنگونه که دشتی آورده یعنی زبیر، نمی‌تواند باشد زیرا ایشان تا مدتی بعد از خلافت حضرت به امام وفادار بوده است که در خطبه ۳۱ نیز آمده است (عرفتنی بالحجاز و انکرتنی بالعراق). و از طرفی هنوز اشتباهی را مرتکب نشده بود که او را به (هن) تشبیه بفرمایند و در نهایت نیز با تحریک پسرش مقابل امام ایستاد پس (هن و هن) جز دو نفر دیگر یعنی سعدبن ابی وقاص و طلحه نمی‌توانند باشند و در خصوص جمله قبل از اینها که بخاطر حسد از امام اعراض نموده مطابق نظر ابن الحدید طلحه است.

۲) توصیف، تبیین و روشنگری ترجمه مفردات و جملات کوتاه و مبهم

بعضی از کلمات و جملات معنی آنها مبهم است و نیاز به توضیح و توصیف بصورت صفت یا

مضاف الیه بدنبال خود یا اشاره در پاورقی یا داخل پرانتز و... دارند تا ابهام آنها برطرف گردد.

• خطبه ۲۴، بند ۱: «و فرّوا إلى الله من الله»

ترجمه دشتی: «از خدا به سوی خدا فرار کنید». در بررسی ترجمه‌های آیتی ص ۷۷، بهشتی ص ۲۷، زمانی ص ۶۵-۶۶، اردبیلی ص ۲۷، فیض الاسلام جلد ۱ ص ۸۸، مکارم ص ۱۰۲، ترجمه و شرح منهاج خوئی جلد ۳ ص ۳۴۷، شرح ابن ابی الحدید جلد ۱ ص ۳۳۲، ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۲ ص ۲۷، شرح موسوی جلد ۱ ص ۲-۲۰۱ می‌بینیم که الی و من کمیت آنها مشخص گردیده تا ترجمه گویا و مشخص باشد اینگونه معنی می‌شود: «به سوی بخشش و رحمت از معصیت و عذاب خدا بشتابید»

۳) پرهیز از حذف ترجمه کلمه یا عبارتی از جمله

آنچه حضرت فرموده حتما در جملات مهم و نقش خاصی را دارند از حروف گرفته تا اصطلاحات و کلمات مرکب و... نباید در ترجمه حذف شوند مثل:

• خطبه ۳۴، بند ۲: «یرتج علیکم حواری».

«زبانان از سخن گفتن با من لرزش گرفته یا بند آمده‌است»، که این جمله بطور کامل در ترجمه دشتی حذف شده و در دیگر ترجمه‌ها معنی شده است.

• خطبه ۱۷، بند ۴: «بکر فاستکثر من جمع، ما قل منه خیر مما کثر دشتی».

چیزی را بسیار جمع‌آوری می‌کند که اندک آن به از بسیار است. که بکر به معنی هر صبح که برمی‌خیزد، در ترجمه دشتی حذف گردیده است.

• خطبه ۲۹، بند ۴: «فقد فاز والله بالسهم الأخبب».

«ترجمه «والله» (به خدا قسم) در ترجمه دشتی حذف شده است.»

• خطبه ۳۴، بند ۲: «کانکم من الموت فی غمرة».

ترجمه دشتی: «(گویا ترس از مرگ) کلمه غمره معنی نشده است.» ولی در دیگر ترجمه‌ها به معنی گرداب، لجه، ورطه بیهوشی و هلاکت و گریبانگیر آورده‌اند.

• خطبه ۳۴، بند ۵: «إني لأظنُّ بكم».

این جمله در ترجمه دشتی بطور کامل از قلم افتاده است» در صورتیکه اظن از افعال قلوب به معنای یقین (من حتما یقین دارم) که بخاطر (ل) قسم یا ابتدائیت تعلیق گردیده است و در ترجمه دین پرور نیز اینچنین ترجمه شده است (شما را چنین می بینم) ولی در ترجمه های، آیتی، مکارم، انصاریان، اولیایی، بهشتی، اردبیلی، انصاری گمان کردن معنی شده است.

• خطبه ۴۰، بند ۲: «يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَ يُبْلِغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ». ترجمه دشتی: «تا مومنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهر مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند.» با توجه به ترجمه های آیتی ص ۱۰۵، ارفع ص ۱۵۵، آقامیرزایی ص ۴۳، احمدزاده ص ۳۸، انصاریان ص ۱۱۵، بهشتی ص ۴۳ و شرح ابن میثم جلد ۲ صفحه ۲۱۹، منهاج البرلعه خوئی جلد ۴ ص ۱۸۸، تمام نهج البلاغه نوشته سید عباس موسوی جلد ۱، صفحه ۳۱۲، شرح ابی الحدید جلد ۲ ص ۳۰۹ می بینیم (وَيُبْلِغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ) به معنای (خداوند دوران یا عمر هر یک را بسرآرد) ترجمه شده است ولی در ترجمه دشتی این جمله معنی نشده است.

۴) ارتباط معنایی بین ارکان و ترکیبات جمله و ضمائر با مرجع آنها مطابق با مقصود گوینده باشد

• خطبه ۴، بند ۴: «حَتَّى سَتَرَنِي عَنْكُمْ جِلْبَابُ الدِّينِ». ترجمه دشتی: «تظاهر به دینداری شما پرده ای میان ما کشید.»، ترجمه حسین علی منتظری: «آنچه مرا از شما پوشانده پوشش دین است.»

امعان نظر در ترجمه ها و شروح نهج البلاغه در مورد عبارت فوق چنین استنتاج می شود که ترجمه منتظری با توجه به توضیحات ایشان در ص ۸۳ کتاب درسهائی از نهج البلاغه و نیز قرائن خطبه صحیح است و با تأمل در توضیحات شرح منهاج راوندی جلد ۱ صفحه ۱۳۸؛ شرح ابن ابی الحدید جلد ۱، صفحه ۲۰۸؛ و ترجمه و شرح ابن میثم، جلد ۱ صفحه ۵۴۲ و دقت در ترجمه های فیض الاسلام، دین پرور، بهشتی، اردبیلی، اولیائی، مبشری و با قرائن عبارت مشخص است که پرده دینداری و تقوایی و حیاء حضرت باعث کشیده شدن پرده و مانعی میان حضرت و آنها بوده است. در حالیکه در ترجمه دشتی و تعدادی از مترجمین عکس آن معنی شده است.

• خطبه ۴، بند ۴: «الْيَوْمُ أَنْطِقُ لَكُمْ الْعِجْمَاءَ ذَاتَ الْبَيَانِ».

ترجمه دشتی: «امروز زبان بسته را به سخن می آورم». با تأنی در ترجمه های ارفع، ص ۵۹، منتظری، ص ۸۷، شرح ابن میثم جلد ۱ صفحه ۵۴۴ و شرح ابن ابی الحدید جلد ۱ صفحه ۲۱۱ - ترجمه و شرح فیض الاسلام جلد ۱ صفحه ۵۶ و جلوه های بلاغت خاقانی صفحه ۲۱۵ که عبارت فوق را نوعی استعاره تصریحیه تبعیه می داند نه کنایه و نیاز به توضیح دارد اینکه أنطق متکلم وحده مضارع از باب افعال است یعنی به نطق در می آورم برای شما، (همه امور و احوال و اوضاع آمیخته را) لذا اگر کسی خردمند باشد می فهمد همه آنها در عین اینکه صامت هستند کاملاً گویا و بیان کننده این سر و راز امامت و برتری آن ائمه بر دیگران است و همه اینها مایه پند و اندرز هستند) از مطالب فوق و مطالبی که در ادامه عبارت می آید مشخص می شود که حضرت می فرماید: فقط ما ائمه هستیم که می توانیم مقام خلافت پیامبر و هدایت مردم را به دوش بکشیم که از این اوضاع و احوال، مشخص است و آنها برای شما آنرا بیان می کنند و هر کس تأملی کند و خردی به خرج دهد متوجه آن می شود نه اینکه حضرت زبان را بسته و در حالیکه می توانست اوضاع را بیان نماید این کار را نکرده است حتی اگر منظور زبان حضرت باشد زبان مونث نیست که عجماء (مونث) به صورت تانیث بیاید.

• خطبه ۲۹، بند ۲: «وَلَا أَسْتَرَا حَ قَلْبُ مَن قَاسَا كُمْ».

ترجمه دشتی: «قلب رها کننده شما آسایش ندارد». ترجمه وحید: «راحت نیست قلبی که متحمل رنج شما شده است» قاسی، مقاساه کسی که متحمل رنج و سختی دیگران می شود (فرهنگ معاصر عربی-فارسی، آذرتاش آذرنوش ریشه قسی)

«در ترجمه دشتی: قلب رها کننده نه با لفظ و نه با معنی عبارت منطبق نیست» با بررسی در ترجمه فیض ص ۱۰۳ - ارفع ص ۱۲۹ - آیتی ص ۸۷ - دین پرور ص ۵۱ - شهیدی ص ۳۰ و شرح های: مدرس وحید جلد ۳، صفحه ۲۰۹ - ابن میثم جلد ۲، صفحه ۱۰۶ - مجلسی جلد ۱ صفحه ۱۳۵ - موسوی جلد ۱ صفحه ۲۴۳ درمی یابیم نوعی بیزاری حضرت را بیان می کند که نظر خوئی نیز چنین است زیرا سیاق خطبه نیز این مطلب را تایید می نماید چون آنان در مقابل دشمنی که به خانه و ناموس آنها حمله کرده بود (ضحاک بن قیس از طرف معاویه) دفاع و جنگ نمی کردند.

۵) بیان مفهوم و مقصود ترکیبهای مجازی و بلاغی و استعاری در ترجمه

بعضی از کلمات که دارای معانی مجاز، کنایه، استعاره و غیره‌اند نیاز به توضیح دارند. مانند ترجمه‌های آیتی ص ۹۱، شهیدی ص ۳۱، فیض ص ۱۰۶، دین‌پرور ص ۵۲، انصاری ص ۱۰۶ در خطبه ذیل:

- خطبه ۳۱، بند ۱: «يَرْكَبُ الصَّعَبَ وَ يَقُولُ هُوَ الذَّلُولُ».

ترجمه دشتی: «سوار بر مرکب سرکش می‌شود و می‌گوید رام است.» ترجمه انصاری: (از فرط نادانی و خودسری دست به کارهای بزرگ می‌زند و آنها را کوچک می‌پندارد) با مطالعه شرح ابن ابی‌الحدید، جلد ۲، ص ۱۶۲، شرح مدرس وحید، جلد ۳، ص ۲۲۴، ترجمه و شرح ابن میثم، جلد ۲، ص ۱۲۹، شرح مجلسی، جلد ۱، ص ۱۳۷ به نظر می‌رسد که ترجمه دشتی گویا و رسا نیست زیرا فقط ترجمه الفاظ صورت گرفته است، که مجدداً نیاز به ترجمه دارد. تمام شرحها و بیشتر ترجمه‌ها (امور مهم پیچیده و مشکل را بی‌اهمیت و ساده و آسان می‌پندارد) ترجمه کرده‌اند.

- خطبه ۳، بند ۱۷: «الَّا يَقَارُوا عَلٰی كُظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغَبِ مَظْلُومٍ».

ترجمه دشتی: علما در برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند» ترجمه فیض ص ۵۲: اگر نبود عهده‌ی که خدای تعالی از علما گرفته تا راضی شوند بر سیری ظالم (از ظلم) و گرسنه ماندن مظلوم (از ستم) او، هر آینه... در جلوه‌های بلاغت خاقانی ص ۲۰۳ آمده است که شکمبارگی کنایه از شدت ظلم و گرسنگی مظلوم کنایه از کثرت مظلومیت اوست. با بررسی ترجمه فیض الاسلام ج ۱ ص ۵۳، ترجمه ابن میثم ج ۱ ص ۵۳۲؛ انصاری ص ۵۸؛ اولیایی ص ۴۲۵؛ دشتی در ترجمه بهتر بود با کظه و سغب توضیحی را می‌آوردند تا منظور کنایه‌ای که حضرت از این دو تعبیر داشته‌اند بهتر و زیباتر بیان شود یا آنچه را در کنایه برای روشن شدن مفهوم ترجمه بیان می‌شود، می‌آورد. اهتمام به اینکه ترجمه باید جامع افراد و مانع اغیار متن باشد:

- خطبه ۳، بند ۱: «و اِنَّهٗ لَيَعْلَمُ اَنَّ مَحَلِّی مِنْهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَا».

ترجمه دشتی: «در حالیکه می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور

آسیاب به آسیاب است که دور آن حرکت می‌کند» در ترجمه‌های: ارفع ص ۵۱، آقا میرزائی ص ۱۴، دین پرور ص ۲۱، شهیدی ص ۹، اشاره به (اگر خلافت با دیگری بچرخد بی نتیجه است) دارند و با بررسی منهج راوندی جلد ۱، ص ۱۲۱ و شرح ابی‌الحدید جلد ۱، ص ۱۵۳ می‌یابیم ترجمه دشتی بیانگر مفهوم عبارت نیست. زیرا مانع اغیار در معنی نیست و می‌بایست در توضیحی عبارت «اگر خلافت با دیگری بچرخد بی نتیجه است» را در ترجمه می‌آورد در غیر این صورت همراه با دیگری نیز معنی می‌دهد. همانگونه که راوندی و ابی‌الحدید اشاره و تاکید دارند.

• خطبه ۱، بند ۶: «كَائِنٌ لَا عَن حَدَثٍ، موجودٌ لَا عَن عَدَمٍ».

ترجمه دشتی: «خدا همواره بوده و از چیزی به وجود نیامده». ترجمه علامه جعفری: هستی او را هیچ رویدادی سبقت نگرفته، و نیستی برهستی‌اش تقدم نداشته است. با دقت در شرح ابن ابی‌الحدید جلد ۱ ص ۷۹، ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ ص ۲۴۴، علامه جعفری جلد ۲ ص ۱۲، می‌بینیم که ترجمه دشتی جامع و مانع نیست و در قیاس با ترجمه علامه جعفری کاملا مشهود است این که خداوند متعال همواره بوده اولاً ارتباط بودن و نسبتش به غیر او مشخص نیست آیا غیر او نیز بوده یا خیر. ثانیاً ذات جمال و جلالش نیز در ارتباط با نیستی و عدم مشخص نیست (از چیزی به وجود نیامده). بهتر بود نیستی بر هستی‌اش تقدم نداشته آورده می‌شد یا همچنین نظر ابن ابی‌الحدید که قسمت اول (کائن) اسم فاعل از کان به معنی وجد و قسمت دوم نیز واجب بودن وجود مقدسش و نفی امکان از آن می‌باشد که اگرچه ممکن است حدوث زمانی را نفی کرده باشد ولی حدوث ذاتی را نفی نکرده و عبارت اول حدوث زمانی و با عبارت دوم حدوث ذاتی خدا را حضرت نفی فرموده و در نتیجه ترجمه نباید فقط بیانگر معنی کلمه باشد بلکه مبین مفهوم جمله و منظور گوینده کلام نیز باشد.

• خطبه ۱، بند ۷: «بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنظُورَ إِلَيْهِ مِن خَلْقِهِ مَتَّوِّجِدٍ إِذْ لَا سَكَنَ يَسْتَأْنَسُ بِهِ وَلَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ».

ترجمه دشتی: «بیناست حتی آن هنگام که پدیده‌ای وجود نداشته، یگانه و تنهاست زیرا کسی نبوده تا با او انس گیرد یا از فقدانش وحشت کند». ترجمه منتظری: درس‌ها ص ۲۱۹، خداوند بصیر به همه موجودات است قبل از اینکه چیزی به آن بتوان نگاه کرد موجود

باشد او یکتائی است که سکن ندارد که با او انس بگیرد و چنین نیست که خداوند بواسطه فقدان مونس وحشت کند. با دقت در ترجمه‌های فوق و شرح ابن ابی الحدید جلد ۱، صفحه ۷۹ الی ۸۰ ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ - صفحه ۲۸۳ - ترجمه علامه جعفری جلد ۲ صفحه ۱۲، و ترجمه کمپانی (دشمنان علی علیه السلام ص ۲۳).

در می‌یابیم در این قسمت نیز ترجمه دشتی اولین مشکلی که دارد سوال یا چالش مطرح شده توسط ابن ابی‌الحدید می‌باشد اگر بصیر را همچون دشتی بینا ترجمه کنیم در ازل چیز شنیدنی یا دیدنی وجود نداشته که نیاز به بینایی خداوند باشد در حالی که او میرا از نقص است پس بهتر بود بینایی را علم خداوندی که متعلق به همه جزئیات و جریانات عالم هستی پیش از خلقت است می‌آورد بر خلاف نظر منکران که قائل به دانا بودن خدا به کلیات هستند و به این معنی بینایی خدا نیاز به دیدگاه عینی ندارد پس بنا بر نقل ابن ابی‌الحدید او سامع و مبصر ازلی است زیرا آن صفات مدرک بالقوه نیستند بلکه بالفعل هستند و همچنین اطلاق متوحد به باری تعالی نیز ازلی است یعنی هیچ موجودی غیر از او نبوده است که اگر تصدیق سلب ازلی شود یعنی سلب وجودی که باعث انس یا وحشت خدا شود می‌گردد و در ترجمه دشتی (کسی نبوده...) مانع اغیار نیست البته این موضوع نیز در شرح ابن میثم آورده شده است و مؤید آن است و به عبارتی واضح تر، ترجمه دشتی مشکلاتی دارد که توسط ابن میثم به شکل استدلالی بیان شده است. همچنین در ترجمه و شرح علامه جعفری ج ۲ ص ۸۵ و ۸۴ با سوالاتی که مطرح شده در هفت قسمت از جمله، کسی نبوده تا خدا با او انس بگیرد خود خدا کجا بوده، چه کار می‌کرده و... که به طور مفصل آورده شده و مقایسه آن مشکل ترجمه را واضح تر بیان می‌نماید و بهتر بود ترجمه را همچون ابن ابی‌الحدید یا ابن میثم با توضیح می‌آورد یا همچون علامه که بیانگر مفهوم کلام باشد ترجمه می‌کرد.

۶) بررسی دقیق مستندات تاریخی و حذف قرینه‌های گمراه کننده

در مستندات تاریخی و روائی تحلیل و بررسی جهت رسیدن به مقصود گوینده همچون روشهای ابن‌الحدید، راوندی و برخی مترجمین مثل اردبیلی نیاز است.

- خطبه ۲، بند ۹: «فی خیر دارٍ و شرِّ جیرانٍ».

ترجمه دشتی: «کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی

می کردند.» ترجمه اردبیلی ص ۱۳: در بهترین سرا که سرزمین شام است و بدترین همسایه‌ها که اصحاب معاویه‌اند. در منهاج خوئی جلد ۲، صفحه ۳۰۱ (نظر شارحین بیان شده) شرح ابن ابی‌الحدید جلد ۱، صفحه ۱۳۷-۱۳۸ - راوندی ص ۱۱۳، اگر از اول پاراگراف مفهوم و معنی را بررسی کنیم و سیر بیان خطبه را در نظر بگیریم در می‌یابیم حضرت تا تخویفاً بالمثلات راجع به پیامبر و ویژگیهای دین در زمان رسول الله فرمودند اما از والناس فی فتن در مورد فتنه‌های به وجود آمده بعد از رحلت پیامبر(ص) فرمایش می‌کند از جمله خزل الایمان که ایمان به دین و حق بی یاور و خوار مانده پس می‌توان گفت که فی خیردار و شر جیران با توجه به شکوائیه حضرت از زمان خویش می‌باشد که خیردار کوفیان و شر جیران شامیان هستند اولی یاران حضرت، دومی یاران معاویه که طول شب تا صبح را نمی‌خوابیدند و دستور او را اجرا می‌کردند. دشتی و خوبی اشاره به پیامبر و عصر ایشان دارند که با جیران نیز زیاد قرانت ندارد. البته در ترجمه فیض السلام، ص ۴۴- «در بهترین محل دنیا (مکه معظمه) و میان بدترین همسایه‌ها (اهل مکه) اشاره شده است. البته نظر راوندی و ابی‌الحدید در صورت تحلیل با توجه به نزدیکی به عصر حضرت معتبرتر می‌باشند

۷) معرفی مخاطبان و بیان مقصود عبارات کنایی، مجازی و بلاغی

مخاطبان یا مدلول عبارات مجاز و کنایه و استعاره باید بیان شود و برای مخاطب توضیح داده شود که دقیقاً اشخاص یا پدیده‌های مورد نظر چیست و مخاطب را در فکر و ابهام نگذارد

- خطبه ۵، بند ۱: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسَفْنِ النِّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمَنَافِرَةِ، وَضَعُوا تَبِجَانَ الْمَفَاخِرَةِ. أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ، أَوْ اسْتَسْلَمَ فَأَرَّحَ.»

ترجمه دشتی: «ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتیه‌های نجات در هم شکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بهره‌یزید و تاجهای فخر را بر زمین نهدید. رستگار شد آنکس که با یاران به پا خاست یا کناره‌گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت.» ترجمه فیض ص ۵۹: در کشتی اطاعت و فرمانبرداری ما سوار شده و خود را... ترجمه فیض ص ۵۸ و ترجمه انصاری ص ۶۲: وضعوا تبجان المفاخره: (با ابی بکر و عمر طریق مدارا سپرید. در شرح ابن ابی‌الحدید جلد ۱ صفحه ۲۱۵-۲۱۶ - راوندی ج ۱ ص ۱۴۶ و در جلوه‌های بلاغت خاقانی ص ۹۹ می‌بینیم در این خطبه مخاطبین حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و در ترجمه‌های دشتی مشخص نشده‌اند به‌عنوان

مثال کشتیهای نجات که همان اهل بیت علیهم السلام است راوندی ج ۱ ص ۱۴۶. تا جهای فخر همان افتخاراتست و دیگر عبارات آن که توضیح آنها طولانی و نیاز به مراجعه به مرجع دارد. مثال پدیده‌ها: وَايْمُ اللَّهِ لَا فِرْطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ لَا يَصْدُرُونَ عَنْهُ، وَلَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ.

ترجمه دشتی: سوگند بخدا گردابی برای آنها بوجود آوردم که جز من کسی نتواند آنرا چاره سازد آنها که در آن غرق شوند هرگز نتوانند بیرون آیند و آنان که بگریزند خیال بازگشت نکنند. در ترجمه‌های انصاریان ص ۶۸، زمانی ص ۴۴، دین پرور ص ۲۹، فیض ص ۶۱، انصاری ۶۶ و شرح ابن میثم جلد ۱ صفحه ۵۶۹ و شرح ابن ابی الحدید جلد ۱ صفحه ۲۴۰ یا در جلوه‌های بلاغت خاقانی صفحه ۱۲۵ مفهوم و مقصود کلام مبهم نیست همانگونه که در ترجمه و شرح ابن میثم و ابن ابی الحدید بیان شده که منظور حضرت این است که جنگی را به پا می‌کنم و خودم سر پرستی آن را بعهده دارم و به همه مسائل آن آگاهم. ترجمه برای مخاطب باید قابل درک باشد منظور حضرت از حوض آیا واقعاً کندن آن و گرداب است یا جنگ و....

۸) معادل سازی صحیح ترجمه ضرب المثلها در قالب زبان مقصد

ترجمه ضرب المثلها باید بیان کننده عبارت باشد. اگر در زبان مقصد معادل آن کل مفهوم را در بردارد بیاورد در غیر این صورت جایز نیست

- خطبه ۱۶، بند ۸: «مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ».

ترجمه دشتی: «هر کس با حق در افتاد هلاک گردید». ترجمه فیض ج ۱ ص ۷۰: کسی که حق را در میان مردم جاهل اظهار نماید هلاک، از دست و زبان آنها در امان نیست و آزار ببند و کشته شود. با دقت در بیشتر ترجمه‌ها بخصوص فیض الاسلام ج ۱ ص ۷۰ و شرح ابن ابی الحدید جلد ۱ ص ۲۷۵ و ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ ص ۶۰۳ متوجه می‌شویم که اگر حضرت نظر داشت در افتادن با حق را بیان دارد همانطور که در تمام خطبه‌ها و نامه‌های حضرت است. از کمترین لفظ بیشترین معنی را اراده می‌فرمودند مثل تخففوا تلحقوا. و لزومی نداشت عبارت (مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ) آورده شود یک لفظ عَدَى یا خَاصَمَ (دشمنی کند) بجای آن ترجمه دشتی را (هر کس با حق در افتاد) بیان می‌نمود همانطور که ابن میثم و ابن ابی الحدید بیان داشته‌اند هر کسی حق را اظهار نماید یا بهتر هر کسی بی پروا حق را مقابل هر باطلی

اظهار نماید یعنی چون حق را در میان مردم جاهل اظهار نموده از گزند آنها در امان نیست و کشته شود.

۹) توجه به ریشه کلمات، عبارات و تشخیص معانی آنها

توجه به ریشه کلمه در ترجمه مواردی که یک لفظ دارای معانی مختلف، یا الفاظ شبیه بهم ولی ریشه آنها مختلف می‌باشند مانند:

- خطبه ۱۶، بند ۳: «لَتَبْلِلَنَّ بَلْبَلَهُ، لَتَغْرَبَنَّ غَرْبَلَهُ وَ لَتَسَاطُنَّ سَوَطَ الْقَدْرِ».

ترجمه دشتی: «سخت آزمایش می‌شوید چون دانه‌ای که در غربال ریزند، یا غذایی که در دیگ گزارند به هم خواهید ریخت زیر و رو خواهید شد.» اما شرح ابن‌ابی‌الحدید، جلد ۱، ص ۲۷۴، علامه جعفری جلد ۳ ص ۲۳۵ شرح و ترجمه ابن‌میثم، جلد ۱، ص ۵۹۵، جلوه‌های بلاغت خاقانی، ص ۱۰۷، ترجمه‌های ارفع ص ۸۳، آقامیرزایی ص ۲۱، احمدزاده ص ۱۸، انصاریان ص ۷۳، شهیدی ص ۱۷، انصاری ص ۷۲، فیض ص ۶۸، اردبیلی ص ۲۰، لَتَبْلِلَنَّ بَلْبَلَهُ را (البته در هم آمیخته می‌شوید) ترجمه نموده‌اند که بلبل به معنی در هم آمیختن، مشوش کردن، همه چیز را خلط کردن (فرهنگ آذرتاش آذرنوش ریشه بلبل) است. و (بلبل) (بَلَى) فرض شده است در صورتی که در ترجمه و در توضیحات ابن‌میثم و ابن‌ابی‌الحدید صحبت از آزمایش نشده است و غربال دو معنی (۱- غربال کردن ۲- تکه تکه کردن گوشت). این قسمتها فقط وقت جداسازی سالم از فاسد و صالح از ناصالح است.

۱۰) تشخیص و بررسی نوع جملات و رعایت آن در ترجمه

مفهوم جملات و نوع آن باید مشخص شود از حیث خبری، انشائی، شرطی، دعائی، نفرین و...

- خطبه ۴، بند ۱: «وَقَرَّ سَمْعُ لَمْ يَفْقَهِ الْوَاعِيَةَ».

ترجمه دشتی: «کر است گوش‌ی که بانگ بلند پندها را نشنود. جمله بصورت دعایی (نفرین) ترجمه نشده است.» در ترجمه‌های شهیدی و شرح ابن‌ابی‌الحدید جلد ۱ ص ۲۰۷ و ترجمه و شرح ابن‌میثم جلد ۱ ص ۵۳۷، شرح منهاج‌البراعه خوئی جلد ۳ ص ۱۲۹ و بیشتر مترجمین بصورت دعائی (نفرین) آورده‌اند یعنی کر باد، سنگین باد گوش‌ی که نشنود صدای داعی حق را.

- خطبه ۲۹، بند ۴: «وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَ اللَّهُ بِاللَّسْمِ الْأَخِيْبِ وَ مَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلِ».

ترجمه دشتی: «کسی که به امید شما به سوی پیروزی رود با کندترین پیکان به میدان آمده و کسی که بخواهد دشمن را به وسیله شما هدف قرار دهد با تیری شکسته تیراندازی کرده است.» جملات فوق شرطی (دارای ادات، فعل و جواب شرط هستند) همچنین قسم و تاکید که در ترجمه دشتی رعایت نشده‌اند. ولی در تمام ترجمه‌ها و شروح مذکور در مقاله اشاره شده‌اند. مانند ترجمه مکارم ج ۱ ص ۱۱۵: بخدا سوگوئند... و اگر پیروزی بوسیله شما بدست آید پیروزی بی اثر است همانند... و اگر کسی بخواهد بوسیله شما...

(۱۱) پرهیز از ضعف ترجمه در خطبه‌های اعتقادی با تحلیل مبتنی بر فلسفه، کلام، حدیث، نحو... و خطبه‌هایی که بر توحید و معاد دلالت دارند باید جامع ترجمه شوند و راه هر تحلیل انحرافی چه عمدی یا سهوی را ببندند.

- خطبه ۴۹، بند ۳: «لَمْ يُطَلِّعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يُحْجِبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ».
- ترجمه دشتی: «عقلها را بر حقیقت ذات خود آگاه نساخته اما از معرفت و شناسائی خود باز نداشته است.» ترجمه جعفری، جلد ۴ ص ۸۲: عقول بشری را از توصیف و تعریف صفتش آگاه ننموده و از معرفت لازم درباره وجود و آثار و نشانه‌ای آشکارش محجوب نفرموده است. با دقت و بررسی شرح و ترجمه ابن میثم، جلد ۲، ص ۲۷۲، شرح سید عباس الموسوی، جلد ۱، ص ۳۴۲ - منهاج خوئی، جلد ۴، ص ۲۹۱ - ترجمه جعفری، جلد ۴، صفحه ۸۲ باید بگوییم که عقول بشری محدودتر از آن است که بتواند صفات خداوندی را برای شناخت خود محدود بسازد و عقول جمع همان عقل نظری است که از محسوسات مواد خام کارش را گرفته است. تحدید صفت به حقیقت ذات زیاد ارتباط معنائی ندارد با توجه به اینکه اگر حقیقت ذات را در ترجمه بیابیم در ترجمه عبارت بعدی با مشکل مواجه می‌شویم زیرا پی بردن به حقیقت ذات به هیچ اندازه نیز برای هیچ موجودی ممکن نیست زیرا همه مخلوق هستند و فقط او خالق است و شناخت صفاتش را آنهم نه ذاتی به اندازه درک و استعداد مخلوق مانع نشده زیرا لازمه شناخت محدود از نامحدود احاطه و اشراف است. «خردها را بر حدود صفتش

مطلع نکرده است و از معرفت شایسته آنها را در پرده نداشته است.» (سید محمد مهدی جعفری ص ۷۰)

- خطبه ۴۸، بند ۱: «غیرمفقود الانعام و لا مکافئ الإفضال».

ترجمه دشتی. «نعمتهای او پایان نمی پذیرد و بخششهای او را جبران نتواند کرد.» ترجمه دین پرور ص ۶۶- و ترجمه علامه جعفری جلد ۴ ص ۵۷ که بسیار زیبا ترجمه شده (احسان او هرگز مفقود نمی گردد و بخشش و اکرامش برای عوض و پاداش نیست) و بی نیازی خدا را بخصوص در قسمت دوم عبارت ترجمه بیان می نماید. ترجمه دشتی با ترجمه های مذکور متفاوت است.

۱۲) دقت در معانی واژه‌ها و انتخاب معنی مناسب محل آنها در جمله

بعضی کلمات معانی مختلف دارند که باید با توجه به موقعیت آنها در جمله ترجمه گردند:

- خطبه ۴۵، بند ۲: «الدنيا دارٌ مَنِي لَهَا الْفَنَاءُ».

ترجمه دشتی: «دنیا خانه آرزوهایی است نابود می شود». ترجمه آیتی ص ۱۱۱: دنیا سرائی است، که ناپایداری مقدر اوست. با مطالعه ترجمه های آیتی ص ۱۱۱، آقامیرزایی ص ۴۶، انصاریان ص ۱۱۹، بهشتی ص ۴۵، انصاری ص ۱۲۷، فیض ص ۱۳۲، اردبیلی ص ۴۱، اولیائی ص ۴۴۹، بهشتی ص ۴۵، زمانی ص ۱۰۱، مبشری ص ۱۹۵، میرات درخشان ص ۱۹۵، مکارم ص ۱۳۹، شرقی ص ۲۵۸ و شرح ابن ابی الحدید جلد ۳ ص ۱۵۲، ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۲ ص ۲۵۲، منهج خوئی جلد ۴ ص ۲۵۲ می یابیم که دشتی معنی (مَنِي) را آرزو گرفته است و در این صورت قسمت بعدی جمله از نظر معنی مشکل دار می شود (زود نابود می شود) پس معنی آن منی له (مقدر شده برای آن) می باشد.

۱۳) رفع تعارض بین الفاظ و معانی آنها در مسائل اعتقادی به شکل مستند و تحلیلی:

ترجمه خطبه ها و عبارتهای اعتقادی (توحید و معاد) با استفاده از نظرات شارحین بزرگ و معتبر مستدل گردد تا از قوت بیشتری برخوردار شود.

- خطبه ۱، بند ۱۲: «ثُمَّ أَنْشَأَ سَبْحَانَهُ رِيحاً إِعْتَقِمَ مَهَبَّهَا، وَأَدَامَ مَرْبَهَا وَ أَعْصَفَ مَجْرَاهَا وَ

أَبْعَدَ مَنْشَاهَا».

ترجمه دشتی: «سپس خدای سبحان طوفانی برانگیخت که آب را متلاطم ساخت امواج آب را پی در پی در هم کوبید طوفان به شدت وزید و از نقطه‌ای دور دوباره آغاز شد.» ترجمه فیض الاسلام: باد دیگری آفرید و جای وزیدنش را عقیم گردانید (آن باد را فقط برای موج آفرید نه چیز دیگر) و قرار داد آنرا که همیشه ملازم تحریک آب باشد. با رجوع به شرح ابن ابی‌الحدید، جلد ۱، ص ۸۶، ترجمه و شرح ابن‌میثم جلد ۱ ص ۳۰۰، منهاج راوندی جلد ۱ ص ۶۱، ترجمه و شرح آملی، متن ص ۱۳۲ و ترجمه‌های آیتی، فیض، انصاریان در می‌یابیم اعتقم مهیبا: وزیدنش را نازا (که آن نه ابر و نه باران و نه درختی را بارور می‌کرد) قرارداد، باد در عبارت: انشا ریحا...، سوای باد قبلی است و فقط برای موج نمودن بوده است و خاصیت بارور نمودن نداشته زیرا عقیم بوده که در ترجمه دشتی به آن اشاره نشده است و در قسمت بعدی مربها را دشتی با نظر راوندی ترجمه نموده و با توضیح و اثباتی که ابن‌میثم در شرح خود ج ۲ ص ۲۹۹ دارد نظر ایشان صحیح‌تر است و نظر ابن‌ابی‌الحدید نیز اینچنین است و قسمت آخر همانگونه که در ترجمه‌های آیتی، فیض، انصاریان و... بویژه در ترجمه و شرح علامه جعفری جلد ۲، ص ۱۱۱ آمده منبع آن باد را دور از مجرای طبیعی قرارداد که نشان از دو وضع غیر طبیعی باد می‌باشد که خاصیتی جز تحریک آن ماده نداشته و نفوذ آن در فضای بی مانع به حرکت در آمده و معلوم می‌شود باد سابقه طبیعی نداشته است.

۱۴) اهتمام به عباراتی که ظاهری ساده ولی نیاز به ظرافت و دقت بسیار در ترجمه دارند بعضی عبارات حضرت درعین ساده و روان بودن نیاز به ظرافت معنی و تأنی و دقت بسیار دارند چه بسا در شرایط اضطراری ایراد شده‌اند و باید در ترجمه لحاظ گردند مانند:

- خطبه ۶، بند ۲: «فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَدْفُوعاً عَنِ حَقِّي مُسْتَأْثَرًا عَلَيَّ».

ترجمه دشتی: «سوگند به خدا من همواره از حق خویش محروم ماندم و مرا از حق خود بازداشته و به دیگری اختصاص داده‌اند.» در شرح و ترجمه منهاج خوئی جلد ۳ ص ۱۵۰، شرح و ترجمه علامه جعفری، جلد ۳ ص ۱۲۸، شرح ابن‌ابی‌الحدید، جلد ۱ ص ۲۲۳، منهاج راوندی جلد ۱ ص ۱۴۸ به این مهم توجه شده که اگر در اینجا ظرافت معنی مد نظر قرار گیرد می‌بینیم در معنی ۱- بهتر بود ترجیح دادن و مقدم داشتن استفاده می‌شد ۲- مهمتر اینکه تصریح به

معرفی دقیق مخاطب حضرت می نمود این امر باید در ترجمه رعایت شود. در ترجمه دشتی به ذهن مخاطبین خطور می کند مردم آن زمان حق خلافت را از حضرت گرفته و به غاصبین آن اختصاص داده اند که نوعی توجیه و تأیید بر آن می شود در صورتی که این ترجمه جامعی نیست و در ترجمه علامه کاملاً مشخص شده است دیگران که همان دافعین عن حق حضرت بوده اند خودشان را در قلمرو اختصاصی حضرت وارد نموده و مقدم بر وی دانسته اند نه اینکه جامعه آن زمان آنان را بر حضرت مقدم نموده است (ابی الحدید نیز آن را تأکید و اینچنین بیان کرده است)

- خطبه ۲۱: «فَإِنَّ الْغَايَةَ إِمَامُكُمْ وَإِنَّ وِرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوْكُمْ».

ترجمه دشتی: «قیامت پیش روی شماست و مرگ در پشت سر، شما را می راند.»، ترجمه خوئی ج ۳ ص ۳۰۷: به درستی که مرگ در پیش شماست و در عقب شماست ساعت‌های روز و شب در حالیکه می راند شما را بسوی مرگ. ترجمه شرقی ص ۲۸۶: پس براستی پایان (مرگ) در پیش شماست و در عقب شماست ساعت (شب و روز) که می راند شما را. با نگاه در ترجمه‌های آیتی ص ۷۱، آقامیرزایی ص ۲۶، بهشتی ص ۴۵، فیض ص ۸۰، فارسی متن ص ۳۰، دین پرور ص ۳۹، احمدزاده ص ۲۲، مبشری ص ۱۱۹، شرقی ص ۲۵۸ و شرح ابن ابی الحدید، جلد ۱، ص ۳۰۳، ترجمه و شرح ابن میثم، جلد ۱، ص ۶۵۵، منهج خوئی، جلد ۳، ص ۳۰۶ - منهج راوندی، جلد ۱، ص ۱۸۸ مشخص می شود در اول هر دو جمله که با این شروع شده قطعیت و تأکید در معنی را بیان می کند و همچنین تحدوکم جمله حالیه است که می بایست در ترجمه معنی شوند و یکی راجع به غایه که بیشتر شارحین نظر بر مرگ دارند. زیرا در ابتدا مرگ در پیش روی ماست گرچه دلائلی که ابن ابی الحدید و دیگران آورده اند از پشت سر ما را می راند و بین مرگ و قیامت عالم برزخ نیز واسطه است شاید از دلایلی باشد که قیامت بعد از این در پیش روی ما نیست بلکه پس از مرگ و برزخ است

- خطبه ۲۲، بند ۲: «وَاللَّهُ مَا أَنْكَرُوا عَلَيَّ مِنْكَرًا».

ترجمه دشتی: «سوگند به خدا ناکثین هیچ گناهی از من سراغ ندارند» ترجمه فیض الاسلام ص ۸۲: نسبت دروغ که به من دادند (کشتن عثمان و رضای من بر قتل او) باشد. ترجمه زمانی ص ۶۱: بخدا قسم نسبت‌های دروغی به من دادند (کشتن عثمان). در ترجمه انصاری ص ۸۳ و

ترجمه و شرح ابن میثم، جلد ۱، ص ۶۶۱، منهاج خوبی جلد ۳ ص ۳۰۶، شرح مجلسی جلد ۱ ص ۱۰۹ متوجه می‌شویم که در ترجمه دشتی منکراً را مشخص نکرده کلمه‌ای که اکثر شارحین و مترجمین روی آن بحث و اختلاف دارند و اکثراً نیز مرگ عثمان را بیان نموده و صحیح نیز می‌باشد زیرا مفهوم کلی خطبه و در دو سه عبارت بعد از این عبارت نیز مشخص است که منظور حضرت، مرگ عثمان بوده است.

• خطبه ۳۱، بند ۱: «يَقُولُ لِكِ ابْنِ خَالِكٍ عَرَفْتَنِي بِالْحِجَازِ وَأُنْكِرْتَنِي بِالْعِرَاقِ». ترجمه دشتی: «پسر دایی تو می‌گویند در حجاز مرا شناختی و در عراق نمی‌شناسی. ترجمه اولیائی: تو مرا در حجاز شناخته و بیعت کردی و در عراق بیعتت را شکسته خلافت مرا منکر شدی. در مقایسه ترجمه‌های اولیائی ص ۴۴۱، بهشتی ص ۳۵، فیض الاسلام ص ۱۰۶، زمانی ص ۸۰، انصاری ص ۱۰۶، قرن ۵ و ۶، جلد ۲ ص ۶۸ و شرح مجلسی، جلد ۱، ص ۱۳۸، جلوه‌های بلاغت خاقانی ص ۸-۲۷۷، شرح ابن ابی‌الحدید، جلد ۲، ص ۱۶۳- منهاج خوئی، جلد ۴، ص ۴۵، شرح مدرس وحید، جلد ۳، ص ۲۲۴ با ترجمه دشتی می‌بینیم که ترجمه این بند نیز فقط معنی عبارت است و مقصود عبارت روشن نیست که نوعی استماله و استدرج برای تقلیل خصومت زبیر است و منظور حضرت از «عرف و نکر» بستن و شکستن بیعت می‌باشد.

۱۵) اهتمام به معانی جدید کلمات که از ساختار جدید ناشی می‌شود

در بعضی از کلمات و عبارات که معنی جدید از ساختار جدید یا در قالب مشتقات حاصل می‌شود و مطابق با مفهوم جمله آورده می‌شود باید در ترجمه مدنظر باشد.

• خطبه ۱۶، بند ۲: «تَقَعَّمُ الشُّبُهَاتِ». ترجمه دشتی: «سقوط در شبهات»- در مقایسه این ترجمه با ترجمه‌های زمانی ص ۵۱، آیتی ص ۶۱، فیض ص ۶۷، خوئی جلد ۳ ص ۲۱۹ و شرح و ترجمه ابن میثم جلد ۱ ص ۵۹۶ می‌بینیم که هیچ کدام سقوط معنی نکرده‌اند چرا که سقوط اصطلاحی است که در مواقع افتادن بدون بازگشت یا نابودی معنی دارد لذا سقوط معنی مناسب برای لفظ تقعم با شبهات نیست زیرا در این صورت پایان کار نابودی و سقوط است و برگشتی نیست. پس بهتر است

که مانند ترجمه علامه جعفری و شرح ابن میثم، جلد ۳، ص ۲۳۱ یا منهاج خوئی یا ترجمه آیتی «از آلوده شدن به کارهای شبهه‌ناک) از لفظ فرو رفتن یا وارد شدن استفاده شود.» او را از اقدام به کارهای شبهه‌ناک و افتادن در آنها باز می‌دارد» (محمد دهمدی جعفری ص ۲۹)

• خطبه ۱۶، بند ۶: «فَلْتَنِ أَمْرَ الْبَاطِلِ لِقَدِيمًا فَعَلَّ، وَ لَتِنِ قَلَّ الْحَقُّ فَلَرَبِّمَا وَ لَعَلَّ، وَ لَقَلَّمَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ».

ترجمه دشتی: «اگر باطل پیروز شود جای شگفتی نیست از دیرباز چنین بوده و اگر طرفداران حق اندکند چه بسا روزی فراوان گردند و پیروز شوند، اما کمتر اتفاق می‌افتد که چیز رفته باز گردد.» در ترجمه‌های ابن میثم، جلد ۱ صفحه ۶۰۰، علامه جعفری، جلد ۳، صفحه ۲۶۱، آیتی ص ۶۳، آقامیرزایی، ص ۲۲، بهشتی ص ۱۹، فیض ص ۶۸، دین پرور ص ۳۲، شرقی ص ۱۷۶، زمانی ص ۵۱، انصاری ص ۷۲، اردبیلی ص ۲۰، اولیائی ص ۴۳۰ انصاریان ص ۷۳، اینگونه ترجمه شده: اگر پیروان باطل زیاد شوند نه این که باطل پیروز شود زیرا باطل پیروز شدنی نیست و در «قرینه لئن قل الحق» نیز متوجه آن می‌شویم.

۱۶) توجه کافی به فصاحت و بلاغت کلام به طوری که آثار آن در ترجمه حفظ و مشخص باشد

خلاصه کردن و کوتاهی ترجمه به گونه‌ای نباشد که زیبایی لفظ را از بین برده و آثاری از لفظ در ترجمه نباشد و فقط منظور آن بیان شود.

• خطبه ۱۲: «سِرْعُفَ بِهِم الزَّمان».

ترجمه دشتی: به زودی متولد می‌شوند. ترجمه دین پرور ص ۳۰: به زودی که زمان آنها را به صحنه آورد. در بررسی ترجمه‌های: آیتی ص ۵۷، آقامیرزایی ص ۱۹، بهشتی، متن ص ۱۹، فیض ج ۱ ص ۶۳، دین پرور ص ۳۰، زمانی ص ۴۵، انصاری ص ۶۸، اردبیلی ص ۱۹، اولیائی ص ۴۲۸، میراث درخشان ص ۸۱ و جلوه‌های بلاغت خاقانی، ص ۱۰۸ - شرح ابن ابی‌الحدید، جلد ۱، ص ۲۴۷ - ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ ص ۵۷۴ می‌بینیم، دشتی مفهومی جزئی از الفاظ ترجمه نموده و فقط به مقصود نزدیک است و از الفاظ و زیبایی کلام و استعارات حضرت چیزی باقی نمانده‌است. در ترجمه دشتی بهتر بود به زودی و بسیار سریع زمانه آنرا

متولد خواهد نمود ترجمه می‌شد. (بسیار سریع از معنی رَعَفَ، با سرعت سرازیر شدن خون از خیشوم می‌باشد) که می‌توان اشاره‌ای نیز به وعده حق نمود.

- خطبه ۳۵، بند ۴: «و ضَنَّ الزَّيْدُ بِقَدْحِهِ».

ترجمه دشتی: نصیحت کننده از پند خودداری کرد. ترجمه انصاری ص ۱۱۵: آتش زنه از بیرون دادن آتش بخل ورزید (اجتماع شما بر نافرمانی من بجایی رسید که من مردد شده و از پندتان خودداری کردم) در بررسی ترجمه و شرح ابن میثم، جلد ۲، ص ۱۸۸، منهج خوئی، جلد ۴، ص ۷-۱۹۶، ترجمه انصاریان ص ۱۰۹، ترجمه ارفع ص ۱۴۵، آیتی ص ۹۹، بهشتی ص ۴۰، اردبیلی ص ۴۰، شرقی ص ۲۳۴ می‌بینیم ترجمه دشتی مفهوم عبارت را رسانده ولی با زیبایی و بلاغت الفاظ بیگانه است و کنایه سخن امام بجای امتناع کردن، بخل ورزیدن منطقی تر است.

۱۷) اهتمام لازم به اعراب و جایگاه کلمات و جملات در ترجمه

کلمات یا حروف در جمله مطابق نقش و اعرابی که ایفاء می‌کنند باید ترجمه گردند زیرا معنی آنها تغییر می‌یابد حتی در نقش حال و تمییز که بسیار مشابه هستند.

- خطبه ۱۷، بند ۳: «رَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا مَوْضِعَ فِي جُهَالِ الْأُمَّه».

ترجمه دشتی: «مردی که مجهولاتی به هم بافته و در میان انسانهای نادان امت جایگاهی پیدا کرده است.» ترجمه انصاریان ص ۷۶: کسی که انبوهی از نادانی را در خود جمع کرده و در میان جاهلان امت جهت فریبتان می‌شتابد. در بررسی ترجمه‌های انصاریان ص ۷۶، فیض ص ۷۲، اردبیلی ص ۲۲، مکارم ص ۸۷، شرقی ص ۱۶۱، شرح و ترجمه علامه جعفری جلد ۴، ص ۲۰۰ - ابن میثم و خوئی، جلد ۳، ص ۲۶۵ می‌بینیم در ترجمه دشتی موضع، مانند ترجمه‌ها و شروح فوق معنی نشده است و با توجه به اعراب آن و معنی موضع (اسم فاعل: قراردهنده که صفت رجل است) ترجمه علامه جعفری و ترجمه و شرح ابن میثم و ابی‌الحدید. «مردی که نادانی‌ها را در خود جمع کرده در میان مردم جهت فریبتان می‌شتابد» فیض ص ۷۲. بدان اشاره دارند ترجمه دشتی ضعیف است اینکه بعداً آنها را به هم ببافند بلکه وجود و شخصیتشان را از نادانی‌هائی ساخته که خود نیز عامل به آنها نیستند و

باعث گمراهی مردم می‌شوند چرا که حتی جایگاه آنها به حال مردم اثری ندارد بلکه حکم و قضاوت غلط و گمراهی‌هایی هستند که در جامعه رواج می‌دهند و مردم را در تاریکی فرو می‌برند که با استفاده از نادانان مقصودشان عملی می‌شود (موضع اسم فاعل و صفت رجل است یعنی خرافاتی که در وجودش می‌باشد را بین مردم قرار می‌دهد و باعث گمراهی می‌شود. جایگاه آنها به حال مردم اثری ندارد).

• خطبه ۲۳، بند ۲: «فَأَنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ وَ يُغْرَى بِهَا لِئَامِ النَّاسِ كَانِ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوْلَ فَوْزِهِ مِنْ قِدَاحِهِ تَوْجِبُ لَهُ الْمَغْنَمُ يُرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمُ».

ترجمه دشتی: «زیرا مسلمان تا زمانی که دست به عمل پستی نزده که از آشکار شدنش شرمنده باشد و مورد سرزنش مردم پست قرارگیرد به مسابقه دهنده‌ای ماند که دوست دارد در همان آغاز مسابقه پیروز گردد تا سودی به دست آورد و ضرری متوجه او نگردد.» ترجمه آیتی ص ۷۳: مسلمان تا زمانی که آلوده فرومایگی نشده به گونه‌ای که چون از آن یاد شود اظهار حقارت و خشوع کند و زبان طاعنان سفله در حق او دراز گردد همانند قمارکننده تیز جنگی است... با بررسی شرح مدرس وحید جلد ۳ صفحه ۱۶، ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۲ ص ۴، شرح ابن ابی‌الحدید جلد ۱ ص ۳۱۴ در می‌یابیم تظهر ترجمه نشده (پستی ظاهر شده که مردم متوجه آن شده‌اند) و با توجه به معنی قطعیت إِنَّ و اعراب دَنَاءَةٌ و اینکه تظهر جمله وصفیه دَنَاءَةٌ و فای جواب و اذا شرطیه زمانیه، و جواب آن، بهتر است بدین شکل ترجمه گردد همانا مسلمان (تا زمانیکه آغشته از پستیهای بروز یافته نگردیده است تا در صورت به میان آمدن سخن آن ردیلتها به دست و پا و فروتنی افتد و بخاطر آنها، فرومایه ترین انسانها او را مورد سرزنش قرار دهند)

۱۸) توجه به ترجمه و معانی جدید کلمات در قالب مشتقات و اوزان مزید

توجه به معانی کلمه که با گرفتن حروف اضافی یا در قالب اوزان مزید و رباعی یا مشتقات برایش به وجود می‌آید.

• خطبه ۱۷، بند ۸: «جَاهِلٌ خَبَاطٌ جَهَا لَاتٍ عَاشٍ رَكَابٌ عَشَوَاتٍ».

ترجمه دشتی: «نادانی است که راه جهالت می‌پوید، کوری است که تاریکی گمشده خود را می‌جوید». ترجمه فیض ج ۱ ص ۷۳: نادان است و در نادانیها هم بسیار اشتباه می‌کند (بسیار سرگردان است) بهتر بود. و بسیار سوار بر شترهایی می‌شود که پیش راه خود را نمی‌بیند (و همواره در تاریکی‌های جهل و نادانی کورکورانه راه می‌پیماید) بهتر است. ترجمه بهشتی متن ص ۲۰: نادان است و در نادانیها هم بسیار اشتباه می‌کند... ترجمه اولیائی ص ۴۳۲: نادان است و در نادانیها هم بسیار اشتباه می‌کند... با بررسی ترجمه‌های فوق و ترجمه و شرح ابن میثم جلد ۱ ص ۶۲۹ «خباط و رگاب» بر وزن فَعَال بر بسیاری و فراوانی عمل اسم فاعل در امری همچون امور ابهام آمیز و شبیه دار یا جهل در احکام و قضایای دینی دلالت دارد همچنین جهالات عشوات نیز اسم فاعل بر وزن فعال که بر بسیاری امری دلالت دارد و در ترجمه دشتی توجه نشده است.

۱۹) پرهیز از مترادفات و عبارات نامربوط در ترجمه، یا افزایش در ارزیابی معنائی (ناظمیان ۲-۲۵۱)

- خطبه ۳۴: «ارضیتم بالحیة الدنیا من الآخرة عوضا». «آیا به زندگانی این جهان به جای زندگانی جاودان خرسندید؟» (شهیدی: ص ۳۵). آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زودگذر دنیا رضایت دادید؟ (دشتی: ص ۵۹). «و تعلیمکم کیلا تجهلوا، و تادیبکم کیما تعلموا»، (خطبه: ۳۴) شما را تعلیم دهم تا نادان ننماید و آداب آموزم تا بدانید... (شهیدی: ص ۳۶) و شما را آموزش می‌دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید... (دشتی: ص ۶۱). در این موارد گرایش شهیدی به ایجاز صورت متن اصلی مقبول افتاده و ترجمه‌ای به دست داده که از نظر معنا نیز همپای جملات متن اصلی است. اما ترجمه تشریحی دشتی معنای برآیند ساختار متن اصلی را در گذرانده است. او در مورد نخست واژه‌ی «جاویدان» و «زودگذر» را و در مورد دوم «بیسواد» و «راه و رسم زندگی» را بدون معادلی در متن مبدا به متن مقصد افزوده است (ناظمیان ص ۲۵۲)

نتایج

در مختصر کنکاش و تحقیق صورت گرفته در این مقاله، ترجمه نهج البلاغه دشتی از جنبه‌های

مختلف و مقایسه آن با سایر ترجمه‌ها و شرح‌های نهج‌البلاغه مورد بررسی و نقد قرار گرفت. در این مقال (بافت ترجمه) و تحلیل آنها بویژه مسانید خطبه‌ها و توجه به پیام اصلی خطبه یا کلام، نارسایی‌های وجود دارد که سعی شده است نارسائیها به شکل مستدل و مستند نقد و بیان گردد. و شواهدی مستند در تائید و اثبات آنها آورده شود. لذا بطور کلی شایسته است مخاطبین و پژوهندگان جهت مطالعه و بررسی ترجمه نهج‌البلاغه و به طور موردی ترجمه دشتی، به جنبه‌های ذیل توجه داشته باشند. دشتی در ترجمه خود در متن نهج‌البلاغه در رعایت مواردی که به فن ترجمه مربوط است در برخی تفسیرها که در ضمن ترجمه ذکر نموده و در رعایت قواعد ادبی و ویرایشی دقت لازم را نداشته، در مواردی هم ترجمه ایشان از روائی لازم برخوردار نیست و به عبارتی جزئی‌تر این ترجمه در مختصر کنکاش در چند زاویه مورد بررسی قرار گرفت که نقدهای استخراج شده در نوزده مورد آمده است.

منابع

- ابن ابی‌الحدید عزالدین ابو‌حامد، مذهب سنی معتزله (قرن هفتم) شرح نهج‌البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، ناشر: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی چاپ اول، سال ۱۳۷۸ ه.ق.
- ابن میثم بحرانی (قرن هفتم)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم (معاصر) و علی اصغر نوایی یحیی زاده (معاصر) ناشر: مجمع تحقیقات اسلامی آستان رضوی مشهد سال ۱۴۱۷ ه.ق.
- ارفع سید کاظم (معاصر) ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ: دوم - تهران، ناشر: م تحقیق و نشر فیض کاشانی، ۱۴۲۱
- آملی جعفر (قرن ۱۱)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، ناشر: امور فرهنگی روضه قدس رضوی مشهد، ۱۳۹۷ ه.ق.
- انصاری قمی محمد علی (معاصر) ترجمه نهج‌البلاغه (۱ مجلد) ناشر: منشورات نوین - تهران، بی تا
- آیتی عبدالمحمد (معاصر)، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ: سوم، تهران ناشر: د. نشر فرهنگی م. نهج‌البلاغه ۱۴۲۰
- بهشتی محمد (معاصر)، ترجمه نهج‌البلاغه، ناشر: منشورات شهریور با همکاری منشورات تابان. بی تا.

- جعفری سید محمد مهدی، ترجمه نهج البلاغه، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۹ ه. ش.
- جعفری محمد تقی (معاصر) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، مشهد (آستان قدس) چاپ دوم، ۱۳۹۲ ه. ش.
- خاتمی احمد (معاصر)، فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه ناشر: سروش تهران (نشر صدا و سیما) چاپ اول، سال ۱۳۸۱ ه. ش.
- خاقانی محمد (معاصر) جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه، تهران، ناشر: انتشارات بنیاد. چاپ دوم، سال ۱۳۹۰ ه. ش.
- خوبی، حبیب الله (قرن ۱۴) اثر: منهاج البراعة (۲۱ ج) مصحح: میانجی چاپ: ۴، تهران نشر: مکتبه الاسلامیه
- دحداح انتوان، معجم القواعد، مترجم: قاسم بستانی، ناشر: دارالاعتصام، بیروت. چاپ اول سال ۱۳۷۶ ه. ش.
- دشتی محمد (معاصر) ترجمه نهج البلاغه، قم، ناشر: موسسه چاپ و نشر، چاپ اول، سال ۱۳۴۱ ه. ش.
- دین پرور، سید جمال الدین، نهج البلاغه پارسی، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۴.
- راغب اصفهانی محمد (قرن ۶)، مفردات فی غریب قرآن، ناشر: نشر کتاب، مصر چاپ دوم انتشار: ۱۴۰۴
- راوندی سعید (۷) منهاج البراعة (۳ مجلد) مصحح: کوهکمری ناشر: کتابخانه مرعشی - قم انتشار: ۱۴۰۶ ه. ق.
- رشیدی، غلامرضا، ترجمه و مترجم، مشهد: شرکت به نشر ۱۳۷۸ ه. ق.
- زمانی مصطفی (معاصر) ترجمه نهج البلاغه، تهران، ناشر: م. نبوی چاپ و نشر. چاپ ۱۲، سال ۱۳۸۴ ه. ش.
- سیوطی عبدالرحمن (۸۴۹-۹۱۱ ق) البهجة المرضیه قم ناشر: م. نشر هجرت. چاپ ۱۱. سال ۱۳۹۱ ه. ش.
- شهیدی سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، ناشر، ش. فرهنگی چاپ و نشر، چاپ ۱۴ سال

۱۴۲۰ ه. ق.

- طاهره صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، تهران: نشر همراه، ۱۳۸۰.
- فرخزاد، فرزانه، نخستین درس‌های ترجمه، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- فیض الاسلام سید علی نقی، ترجمه نهج البلاغه م. چاپ و نشر فیض و منشورات فقیه. سال ۱۴۲۱ ه. ق.
- ماندی، جرمی، آشنایی با مطالعات ترجمه، ترجمه حمید کاشانیان، تهران انتشارات رخ، سال ۱۳۸۴ ه. ش
- مدرس وحید احمد (معاصر) شرح نهج البلاغه (۱۲ ج) (شرح کتاب مطول تفتازانی - خ ۱۴۰۲ ق) چاپ: اول - قم
- منتظری، حسینعلی (معاصر) درس‌هایی از نهج البلاغه، تهران: ناشر: انتشارات سرایی، چاپ دوم سال ۱۳۸۰ ه. ش
- الموسوی سید عباس شرح نهج البلاغه (پنج مجلد)، بیروت: دارالرسول و دار المحججه، چاپ اول، سال ۱۴۱۸ ه. ق.
- میمندی نژاد، محمدجواد، اصول ترجمه، تهران: مؤسسه انتشارات چاپ، ۱۳۵۸.
- ناظمیان رضا، حاجمؤمن حسام (معاصر)، پذیرش ۱۳۹۱/۱۱ عنوان اثر: مقاله ساخت و بافت ترجمه متون دینی
- نقیبی، ابوالقاسم. ناشر: مرکز نشر و چاپ پیام نور. چاپ دوم، سال ۱۳۹۰ ه. ش.
- نواب لاهیجی، محمد باقر (قرن ۱۳)، شرح نهج البلاغه (۱ مجلد) ناشر: اخوان کتا بچی، تهران. بی. تا.

ضمائم: معرفی برخی شارحین و مترجمین در مقاله

- علامه محمد تقی جعفری (ره): متولد ۱۳۰۴ در تبریز که در محضر آیات عظام کسب فیض نموده و بیش از ۸۰ اثر از ایشان به چاپ رسیده و از آثار وی شرح و ترجمه نهج البلاغه در ۲۷ جلد که به ۹ مجلد تبدیل شده است و هنوز ۶۰ کتاب و مقاله موجود از استاد منتشر نگردیده است مذاکرات علمی با سراسر جهان داشت نتیجه دو جلد تکاپوی اندیشه‌ها منتشر شده) بررسی افکار (راسل) است. در سال ۱۳۷۷ استاد به رحمت ایزدی پیوست.

- ابن ابی الحدید معتزلی: ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله بن محمد ابن محمد ابن حسین مدائنی (۶۵۶-۵۸۰ه ق) که آرا معتزله بصره و بغداد را فرا گرفت و مورد توجه مستنصر عباسی شد و مستنصریات را نوشت دارای تالیفات زیادی از جمله شرح نهج البلاغه در ۲۰ جلد و علوم عظیمی چون تاریخ صدر اسلام است
- ابن میثم (میثم ابن علی ابن میثم بحرانی): شیعی و صوفی، وفات ۶۷۹ یا ۶۹۹، مورد تقدیر خواجه نصیر، ملا صدرا، علامه حلی و ابن طاووس بوده است از مهم ترین آثار وی شرح نهج البلاغه که سه شرح کبیر، متوسط و صغیر بر آن نوشته و در آنها روش مقایسه ای در پیش گرفته است ترجمه و شرح وی یک شرح ادبی، منطقی و کلامی است که برای باز داشتن عطا ملک جوینی و دو پسرش از بررسی کتب بی فایده ادبی نگاشته است.
- علامه هاشمی خوئی (۱۳۲۴-۱۲۶۱ه ق): در حرم عبدالعظیم مدفون است. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه از مهم ترین اثرات ایشان است در مقدمه به ذکر سه شرح راوندی، ابن ابی الحدید و ابن میثم پرداخته است و چون گاه طرق روایات او با روایات سید رضی متفاوت است شرح خود را منهاج البراعه نامیده است.